

جلد سوم

وارث آتش  
بخش اول

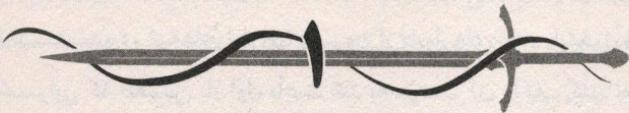
مجموعه  
سریر شیشه‌ای



نشریاژ

THRONE OF GLASS

سارا جی. ماس  
افشین اردشیری



خدایان! چقدر هوا در این شهر نکبت‌زده گرم است!

شاید هم سلینا ساردوثین<sup>1</sup> به خاطر دراز کشیدن روی سقف سفالی چنین احساسی داشت. از اوایل صبح روی سقف دراز کشیده و دستش را روی چشمانش قرار داده بود و مثل نان‌های خمیری بی‌مزه فقیرترین مردم شهر داشت زیر آفتاب بر شته می‌شد؛ مردمی که توان خریدن اجاق نداشتند و نان‌شان را بر لبه پنجره پهن می‌کردند تا پخته شود.

خدایان! چقدر سلینا از این نان‌های بی‌مزه که به آن تگیا<sup>2</sup> می‌گفتند، بیزار بود. حالش از طعم پیازی و خشک این نان‌ها به هم می‌خورد که حتی وقتی دهانش را می‌شست، بویش از بین نمی‌رفت اگر تا ابد مجبور به خوردن این نان نمی‌شد هم دلش برای این نان بدمزه تنگ نمی‌شد؛ در واقع خوردن این نان‌ها بیشتر به این خاطر بود که از دوهفتنه‌ی پیش، وقتی در وندلین<sup>3</sup> بیاده شد و به دستور امپراطور والامقام و باشکوه، ارباب زمین و پادشاه ادرلن<sup>4</sup> به سمت ویرس<sup>5</sup> پایتخت این

---

1. Celaena Sardothien

2. Teggya

3. Wendlyn

4. Adarlan

5. Varese